خبرها

تولید اولین ال ۹۰ در پارس خودرو

فارس: اولین خودرو ال ۹۰ در ۳۱ خردادماه جاری در شرکت پارس خودرو و به دست متخصصان داخلی به اتمام رسید. طبق استانداردهای شرکت رنو پس از تولید خودرو بایستی عملیات تست‌های مختلف را روی خودرو انجام داد که حدود ۳ هفته طول خواهد کشید. اولین بدنه کامل ال ۹۰ که تمام مراحل تولید آن در شرکت پارس خودرو صورت گرفته نیز در روز ۳۱ خرداد جاری از خط تولید بدنه ال ۹۰ پارس خودرو خارج شد. دومین و سومین بدنه تولیدی ال ۹۰ در پارس خودرو در خط تولید این شرکت در حال تکمیل است و ظرف این هفته از خط تولید خارج خواهد شد. قرار است بدنه‌های اول و دوم برای اندازه‌گیری و تست تخریب استفاده شوند. بر اساس این گزارش سومین بدنه تولیدی پس از رنگ در خط تولید ال ۹۰ در پارس خودرو تکمیل خواهد شد. پیش‌بینی می‌شود این خودرو که صددرصد در پارس خودرو تولید شده ۱۵ تیرماه از خط تولید خارج شود.

مذاکره بر سر قیمت گاز وارداتی از ایران

فارس: سخنگوی وزارت نفت و منابع طبیعی پاکستان تاکید کرد، اسلام‌آباد به مذاکرات خود در خصوص قیمت گاز صادراتی ایران ادامه خواهد داد و این مذاکرات به هیچ‌وجه به پایان نرسیده است. هادی نژادحسینیان معاون وزیر نفت جمهوری اسلامی اعلام کرد: ایران حاضر نیست گاز خود را به کمتر از قیمت‌های جهانی به هند و پاکستان صادر کند. سخنگوی وزارت نفت پاکستان در ادامه ضمن ابراز تعجب از اظهارات نژادحسینیان گفت: پاکستان خواستار کاهش قیمت گاز صادراتی ایران است و تنها در این صورت است که اجرای پروژه خط لوله صلح، از نظر مالی و اقتصادی مقرون به صرفه خواهد بود. مذاکرات بر سر قیمت گاز، اواخر ماه جولای و با حضور مقام‌های عالی رتبه سه کشور در دهلی‌نو ادامه خواهد یافت. وی ضمن اشاره به موضع اخیر ایران گفت: قرارداد تجارت گاز طبیعی نه تنها باید به نفع کشور فروشنده باشد بلکه باید منافع کشورهای خریدار را نیز تامین کند.

سازمان گاز اوپک در کار نیست

فارس: وزیر خارجه روسیه ضمن انتقاد از طرح لهستان برای ایجاد سازمان انرژی ناتو تاکید کرد: روسیه و ایران هیچ‌گونه طرحی برای تاسیس سازمان گاز اوپک ندارند. خبرگزاری ریانووستی به نقل از سرگئی لاوروف افزود: من تاکنون هیچ برنامه و طرحی در خصوص ایجاد سازمان کشورهای صادرکننده نفت و گاز موسوم به گاز اوپک نشنیده‌ام و اخبار منتشر شده در این رابطه کذب محض است. رسانه‌های غربی پیش از این مدعی شده بودند، در حاشیه اجلاس شانگهای، مقام‌های جمهوری اسلامی پیشنهاد ایجاد سازمان مذکور را به مقام‌های روسی ارائه کرده‌اند. ولادیمیر پوتین رئیس جمهور روسیه نیز دراین‌باره گفت: مذاکرات من با مقام‌های ایرانی تنها در خصوص گسترش روابط اقتصادی و انرژی دو کشور بوده است و هیچ‌گونه صحبتی از ایجاد سازمان گاز اوپک به میان نیامده است. لاوروف در ادامه ضمن انتقاد شدید از طرح لهستان برای تاسیس سازمان انرژی ناتو گفت: طرح چنین مسائلی موجب رویارویی کشورهای اروپایی و غربی در زمینه انرژی خواهد شد. طرح لهستان نشانگر نگرانی شدید مقام‌های اروپایی از مسئله تامین امنیت انرژی است.

دفترچه اقساط قبوض مالیات

فارس: معاون عملیاتی سازمان امور مالیاتی گفت: طرح صدور قبوض مالیات به شش دفترچه اقساط ماهانه از مهرماه به اجرا در می‌آید. محمود شکری اظهار داشت: طرح صدور مالیات به صورت دفترچه اقساط ماهانه در دستور کار سازمان امور مالیاتی قرار دارد. وی توضیح داد: در صورت اجرای این طرح قبوض مالیات به صورت قبوض آب و برق در آمده و این قبوض که به صورت دفترچه‌ای در اختیار مودیان مالیاتی قرار می‌گیرد، ماهیانه قابل پرداخت است. وی ضمن ابراز امیدواری نسبت به اجرای این طرح در مهرماه افزود: تدوین این طرح تقریباً در شرف اتمام است و قرار است پس از برگزاری چند جلسه با مجامع و اتحادیه‌های صنفی و دریافت نقطه‌نظرات آنان طرح نهایی شود. شکری افزود: سازمان امور مالیاتی همچنین برنامه‌ای را به منظور آشنایی مودیان مالیاتی با تکالیفشان تدوین کرده است. وی افزود: بر این اساس برنامه‌های آموزشی توسط کارشناسان سازمان امور مالیاتی در مجامع و اتحادیه‌ها به اجرا در می‌آید. شکری افزود: پیشنهاد دیگری در دست بررسی است تا بر اساس آن اتحادیه‌ها تشویق به استخدام حسابدار رسمی برای تنظیم دفاتر شان شده و مشمول جرایم مالیاتی نشوند. وی گفت: این کار هزینه زیادی برای اتحادیه‌ها نخواهد داشت و در حال حاضر در حال مذاکره با اتحادیه به منظور تشویق آنان به انجام این کار هستیم. معاون سازمان امور مالیاتی تاکید کرد: در این صورت مالیات‌ها براساس دفاتر قطعی شده و اگر فردی زیان کرده باشد از پرداخت مالیات معاف خواهد شد. در حال حاضر به دلیل فقدان دفاتر مالی مجامع نمی‌توانند حقوق مالیاتی انسان را به شکل مناسب احقاق کنند. وی گفت: همچنین در گفت‌وگو با مجامع پیشنهاد شد اتحادیه‌ها و مجامع برای خود مشاور مالیاتی داشته باشند، مودیان برای امور اجرایی به واحدهای اجرایی مراجعه نکنند و مشاوران مالیاتی امور حقوقی و مالیاتی آنان را انجام دهند. شکری با اشاره به اینکه تمام مودیان با قوانین مالیاتی آشنا نیستند، افزود: این کار در وقت مردم صرفه‌جویی خواهد کرد و حق و حقوقشان توسط مشاور استیفا خواهد شد.

توسعه میدان گازی کیش تا پایان وزارت وزیری

مهر: توسعه میدان گازی کیش در اولویت برنامه‌ها قرار دارد و تلاش می‌شود تا سه سال آینده به انجام برسد. سیدکاظم وزیری درباره توسعه میدان کیش گفت: مطالعات اولیه برای اکتشاف و اندازه‌گیری میدان انجام شده است. وی افزود: برای انجام کارهای توسعه‌ای این میدان نیازمند کارهای مطالعاتی و تهیه طرح MDP هستیم. چندی پیش نیز مدیر امور اکتشاف شرکت ملی نفت اعلام کرده بود حجم ذخایر گاز درجای میدان گازی کیش ۴۳ تریلیون فوت مکعب است که ۳۶ تریلیون فوت مکعب آن قابل استحصال است. وزیری همانه تاکید کرد: من بر توسعه این میدان تا پایان دوره خدمتم به عنوان وزارت تلاش می‌کنم. ضخامت گاز این میدان ۶۵۰ تا ۷۰۰ متر مکعب است و مجموع ذخایر گاز درجای این میدان ۴۳ تریلیون فوت مکعب است که ۳۶ تریلیون فوت مکعب آن قابل استحصال است. مشخصات اولیه این میدان برای انجام عملیات توسعه به شرکت نفت و گاز پارس جنوبی و شرکت نفت فلات قاره داده شده تا برنامه توسعه آن تدوین شود.

مدیرعامل سینوپک در گفت‌وگو با شرق: می‌خواهیم در خزر وارد شویم

سیاست هندوانه برای نفت

رضا زندی

هنوز دیپلمات‌ها خاطره سخنرانی سفیر چین در کیش را از خاطر نبرده اند. زمانی که «لی چینگ تانگ» در همایش همکاری ایران و چین در زمینه نفت، گاز و پتروشیمی حرف‌هایی زد که به مذاق کسانی که در نقش چین در حمایت های بین المللی بزرگنمایی می کردند خوش نیامد. بگذریم از اینکه هم سفیر چین و هم دیپلمات‌های ایرانی سپس در همان جلسه، جملاتی را رد و بدل کردند تا فضا تلطیف شود. سخنان سفیر چین در مراسم امضای قرارداد مشارکت شرکت‌های این کشور در بهره‌برداری از سکوی ایران - البرز برای اکتشاف نفت در دریای خزر هم به گونه‌ای بیان شد تا از وجود «ظلم و جور» در صحنه بین المللی به نفع نزدیکی روابط اقتصادی تهران با پکن بهره‌برداری کند. «لی چینگ تانگ» سه شنبه شب در مراسم امضای قرارداد اکتشاف نفت در «بلوک گرمسار» بین شرکت سینوپک و شرکت ملی نفت از همین تاکتیک استفاده کرد. تاکتیکی که این بار با واکنش مدیر عامل شرکت ملی نفت ایران روبه‌رو شد.

■ هندوانه برای پول

«لی چینگ تانگ» در ابتدای سخنانش چین و ایران را دارنده دو تمدن باستانی و تاریخ دیرینه معرفی می کند: «امروز روابط دوستانه بین دو کشور به اوج رسیده است.» سفیر چین سپس هندوانه زیر بغل مقامات نفتی می گذارد تا شاید با گشاده‌دستی بیشتری قراردادهای آتی را مذاکره کنند: «به نظر من شرکت نفت ایران خیلی تیزهوش است که یکی از بهترین شرکت‌های نفتی چین را انتخاب کرده است.» وی به کنفرانس شانگهای و تاکید روسای جمهوری دو کشور برای تعمیق همکاری‌ها در زمینه انرژی اشاره کرده و اهمیت سه عنصر سرعت، وسعت و عمق مشارکت را در روابط دو کشور برمی شمرد: «من همیشه به دوستان ایرانی‌ام می گویم که اگر بخواهید واقعاً مستقل شوید باید کار کنید تا کشورهایی که ایران را تهدید می کنند بدانند که سرعت پیشرفت اقتصادی ما زیاد است و نمی توانند به ما ضربه بزنند.» چه لزومی دارد که سفیر چین در مراسم امضای هر قراردادی از کشورهایی که ایران را تهدید می کنند یاد می کند. چشم و گوش ایرانیان به اندازه کافی باز هست. آقای تانگ از یادآوری چنین جملاتی چه نیتی را دنبال می کند؟!

■ سخنان نامتعارف سفیر چین برای کسب بازار

«نکته دیگر (در روابط دو کشور) وسعت است. تا به حال مشارکت چین و ایران محدود به انرژی بوده است. به نظر من باید کوشش کنیم که به طور گسترده‌تر مشارکت کنیم.» پس از این سخنان سفیر چین دیگر می توان حدس زد که «لی چینگ تانگ» چرا مدام تهدیدهای بین المللی را در مراسم رسمی به رخ می کشد: «نکته سوم عمق مشارکت است. تا آنجا که من می‌دانم کشور ایران از منابع انرژی قوی برخوردار است. اما شما فرآورده وارد می کنید. ما می‌توانیم در زمینه پایین‌دستی مشارکت کنیم. شرکت‌های چینی توان همکاری در این زمینه را دارند تا اگر فضای بین المللی نامساعدی پیش آید شما هم بتوانید به توانایی خودتان اکتفا کنید.» دیپلمات‌ها به زبان دیپلماتیک سخن می گویند. زبان دیپلماتیک هم زبان صراحت‌ها نیست. بنابراین به کنایه‌ای باید مقصود را دریافت. تاکید مداوم سفیر چین بر «فضای بین المللی نامساعد» واکنش‌های منفی در پی داشت. به شکلی که بلافاصله غلامحسین نوذری مدیر عامل شرکت ملی نفت را وادار کرد پاسخ «تانگ» را بدهد. سخنان پایانی سفیر چین نیتش را از چنین جملاتی افشا می کند: «دوستان ایرانی بهتر است درهای خود را عریض‌تر باز کنند. در مشارکت با چین خیالتان راحت باشد که همکاری‌ها حتماً براساس منافع و اعتماد متقابل خواهد بود.» استفاده ابزاری از شرایط فعلی ایران برای گرفتن قراردادهای شیرین قطعاً از ذهن ملت ایران نخواهد رفت. این گونه موضع گیری سفیر چین قابل قبول نیست.

■ واکنش مدیرعامل شرکت ملی نفت به سفیر چین

وقتی مدیر عامل شرکت ملی نفت بعد از سفیر چین پشت میکروفن قرار گرفت درباره قراردادهای اکتشاف نفت در بلوک‌های ۱۶ گانه و قرارداد با شرکت سینوپک سخنرانی کرد و سپس با اشاره به مترجم چینی مراسم پاسخ سخنرانی «سیاسی» سفیر چین را داد: «ایران پس از انقلاب در منطقه و جهان نشان داده که هیچ وقت زیر بار ظلم نخواهد رفت.» اگر سفیر چین سعی داشت شرایط سخت بین المللی را به رخ مقامات ایرانی بکشد، غلامحسین نوذری هم با یک تیزهوشی سیاسی خاطره دفاع هشت ساله را به سفیر چین یادآور شد: «ما دوران سخت هشت سال جنگ تحمیلی را پشت سر گذاشتیم و هر روز مقاوم‌تر شده‌ایم. آنچه امروز برخی کشورهای مدعی آزادی علیه ایران مطرح می کنند دروغی بزرگ است و قطعاً در این جنگ تبلیغاتی کشور ما پیروز است.» نوذری با اشاره به افزایش تولید ۱۵۰ هزار بشکه‌ای نفت ایران ظرف سه ماه گذشته و انعقاد قراردادهای جدید در پارس جنوبی خاطرنشان می کند: «در بخش اقتصادی نیز کشور ایران خیزشی بزرگ و جدی را شروع کرده است.» نوذری برای اینکه یک طرفه هم سخن نگفته باشد به سفر احمدی‌نژاد و وزیر نفت به چین به عنوان نقطه عطفی در روابط اشاره می کند: «امیدواریم با حفظ منافع ملی، طرفین در قراردادهای بزرگ‌تری، هم در بخش توسعه و هم در بخش پایین‌دستی به توافق برسند.»

■ نوذری: دیگران عصای ما نیستند

پس از پایان مراسم امضای قرارداد بلوک گرمسار، شرق سئوالاتش را از مدیرعامل شرکت ملی نفت می پرسد:

■ جنابعالی در سخنرانی‌تان به مترجم اشاره کردید که می‌خواهید پاسخ سخنان سفیر چین را بدهید. شما چه برداشتی از سخنرانی ایشان کردید که ترجیح دادید موضعتان را در همین جلسه بیان کنید؟

«بنده فکر می کنم ما به عنوان کشوری که یک صد سال تولید نفت داریم و به زودی هم صدمین سال تولید نفتمان را جشن می گیریم، هم از نظر ساخت، هم به لحاظ دانش فنی و هم از نظر مسائلی که به تکنولوژی نفت برمی گردد راهی را که باید می رفتیم نرفته‌ایم...»

■ شما فکر می کنید این راه را باید با چینی‌ها برویم؟

«من فکر می کنم که این راه را باید خودمان برویم. این مسئله قطعی است که راه رفتن به کمک دیگران خیلی موثر نخواهد بود. البته ارتباطات بین المللی مشارکت را می طلبد ولی بنده به اینکه دیگران عصای ما بشوند اعتقاد ندارم.»

■ جنابعالی به عنوان یک مدیر نفتی در بخشی از سخنرانی‌تان به مسائل سیاسی پرداختید. چه استفاده‌ای را مدنظر داشتید؟

«به نظرم فرمایش مقام معظم رهبری می تواند چراغ راه ما باشد در مسائل نفتی. شما حتماً پیام ایشان را گرفته اید.»

■ برخورد دوگانه

هنگامی که سفیر چین از مراسم فارغ می شود به واسطه رایزن اقتصادی سفارت چین، از او می خواهم تا درباره آخرین تحولات گروه ۱+۵ در مسئله هسته‌ای ایران توضیح بدهد. رایزن اقتصادی سفارت چین از ترجمه سئوال اجتناب کرده و می گوید: «حالا این مسئله امروز این مراسم نیست. درباره مسئله هسته‌ای سئوال نکنید.» این پاسخ را می گذاریم کنار درخواست چند لحظه پیش «لی چینگ تانگ» درباره اینکه «رایزنی‌ها بهتر است درهای خود را عریض‌تر باز کنند». آیا چینی‌ها حمایت‌شان را از ایران صریح‌تر کرده‌اند؟!

■ آقای سفیر! در سخنرانی‌تان خواستید که درهای ایران بازتر شود. منظور شما از این جمله چه بود؟

«ما باید همکاری‌هایمان را در یک چارچوب مشخص توسعه بدهیم همکاری‌ای که در آن طرفین برنده باشند نه یک طرف. ما مایلیم با کشورهایی نظیر ایران همکاری صمیمانه داشته باشیم. این طبیعی است.»

■ گفت‌وگوی شرق با مدیرعامل سینوپک

عمده سهام شرکت نفتی سینوپک در اختیار دولت چین است. هنگامی که «مو شولینگ» قرارداد اکتشاف نفت در زادگاه رئیس جمهور را در چمدان گذاشت و در ماشین تشریفاتش را باز کرد تا مهمانسرای نفت را ترک کند، شرق از «مو» می خواهد در گفت‌وگویی اختصاصی شرکت کند. می پذیرد، در ماشین را می بندد و به محوطه باز مهمانسرا که برای صرف شام تعبیه شده بود برمی گردد. اگرچه این گفت‌وگو به دلیل انتظار مهمانان کوتاه برگزار شد اما حاوی نکاتی نظیر «رابطه بین نفت و سیاست، تمایل چینی‌ها برای اکتشاف نفت در دریای خزر و زمان توسعه میدان نفتی یادآوران» بود.

■ آقای مو، شرکت سینوپک برای حضور در ایران چه استراتژی‌ای را دنبال می کند؟

«ما یکی از خریداران بزرگ نفت از ایران هستیم. سالانه تقریباً ۱۲ میلیون [...] انرژی فسیلی از ایران دریافت می کنیم. سینوپک در زمینه مشارکت اقتصادی چین و ایران نقش بسزایی ایفا می کند. ما با مقامات ارشد شرکت ملی نفت ایران مشورت کرده‌ایم و امیدواریم در آینده‌ای نزدیک شریک مهمی برایشان باشیم.»

■ درباره سینوپک تحلیلی در ایران وجود دارد. گفته می شود که شرکت شما از تکنولوژی پیشرفته و روز در زمینه تولید نفت برخوردار نیست. درباره این مدعا هم دلیل وجود دارد. شرکت ملی نفت برای حضور شما در یادآوران شرط مشارکت یک شرکت معتبر نفتی بین المللی را گذاشته است. مایلم نظرتان را در این باره بدانم.

اگر سه شرکت بزرگ چین را در نظر بگیرید خواهید دید که شرکت CNPC از نظر میزان انرژی و توانایی تولیدی اش از شرکت ما بهتر است اما از نظر مدیریت و سیستم‌های مدرن سینوپک پیشرفته‌تر است. در حوزه بالادستی نفت، ما با شرکت‌های معروف بین المللی مثل شل و بی پی مشارکت بسیار داریم و توانایی هایمان از طرف این شرکت‌ها تائید شده است. ولی به هر حال درباره مشارکت در میدان نفتی یادآوران شرکت ملی نفت شرط گذاشت که یک شرکت بین المللی نظیر شل شریک باشد. ما هم احترام گذاشتیم و این شرکت را انتخاب کردیم.

■ آیا می توانستید به تنهایی از عهده کار در یادآوران برآیید؟

به نظرم می توانستیم. به هر حال اگر شریک خوبی داشته باشیم هم خوب است.

■ به نظرم حضور شرکت‌های نفتی چینی در ایران بیشتر تابعی از مسائل سیاسی است تا توانمندی‌های فنی. نظر شما چیست؟

به نظر من سیاست اجتناب‌ناپذیر است. وقتی ما در یک فضای سیاسی نزدیک زندگی می کنیم، نمی توانیم از آن اجتناب کنیم. به هر حال شرکت سینوپک به عنوان یک شرکت بزرگ نفتی چین مسئولیت دارد آنچه دولت تعهد کرده انجام دهد. این مشارکت نه تنها بوی سیاسی می دهد بلکه نشان‌دهنده دوستی دیرینه مردم دو کشور است.

■ بالاخره توسعه یادآوران را از چه زمانی شروع می کنید؟

MDP(نقشه مهندسی فنی توسعه) میدان یادآوران از طرف ایران به تصویب رسیده است. حالا دیگر وارد مرحله مشارکت بازرگانی شده‌ایم. البته هنوز چند مسئله در مورد فناوری و تکنولوژی وجود دارد که باید بیشتر تبادل نظر کنیم. الان دقیق نمی توانم زمان شروع کار را اعلام کنم.

■ ممکن است تا پایان سال ۲۰۰۶ توسعه یادآوران آغاز شود؟

ما آماده‌ایم. دیگر بستگی به شرکت ملی نفت ایران دارد.

■ آیا سینوپک مایل است در اکتشاف نفت دریای خزر به ایران کمک کند؟ آیا دولت متبوعشان حمایت سیاسی می کند؟ پیش از این سفیرتان اعلام کرده بود که چین مایل است نفت دریای خزر را از طریق خط لوله به چین برساند.

«می توانیم بگوییم که مایل هستیم و برای این فعالیت هم از دولت حمایت گرفته‌ایم.»

■ برزیلی‌ها در خزر

مدیر امور اکتشاف شرکت ملی نفت در پاسخ به پرسش شرق درباره برنامه آتی ایران برای اکتشاف نفت در خزر می گوید: «بخش اعظم لرزه‌نگاری در دو بلوک «۶» در دریای خزر انجام شده و فعلاً در حال پردازش اطلاعات هستیم.» وی از مذاکره با یک شرکت برزیلی برای اکتشاف نفت در خزر خبر می دهد: «مذاکرات با شرکت پترو براس» برزیل در این خصوص در حال نهایی شدن و انعقاد قرارداد است.» وی از انجام دور بعدی مذاکرات با شرکت برزیلی پس از تاکید شورای اقتصاد و هیات دولت خبر داد. وی همچنین درباره توسعه بلوک مهر به پیمانکاری شرکت «او ام وی» و احتمال کناره‌گیری این شرکت از توسعه این میدان گفت: «این شرکت منصرف نشده است اما نکته‌ای که وجود دارد این است که یک حلقه چاه در بند کرخه حفاری و منجر به کشف نفت شد و هم‌اکنون در حال بررسی تجاری بودن میدان هستیم. مطالعات و بحث‌های فنی این میدان در حال نهایی شدن است و به زودی نتیجه تجاری بودن این میدان نهایی می شود.» محدث همچنین درباره اکتشاف بلوک خرم‌آباد نیز گفت: «تا یک ماه آینده قرارداد این بلوک نیز با شرکت نورث هیدرو نروژ انعقاد می شود.»

خلاصه مطلب

۱- چه لزومی دارد که سفیر چین در مراسم امضای هر قراردادی از کشورهایی که ایران را تهدید می کنند یاد می کند.

۲- نوذری: البته ارتباطات بین المللی مشارکت را می طلبد ولی بنده به اینکه دیگران عصای ما بشوند اعتقاد ندارم.

۳- واکنش مدیرعامل نفت ایران به سخنان سفیر چین: ما دوران سخت هشت سال جنگ تحمیلی را پشت سر گذاشتیم و هر روز مقاوم‌تر شده‌ایم.

۴- مو: به هر حال شرکت سینوپک به عنوان یک شرکت بزرگ نفتی چین مسئولیت دارد آنچه دولت تعهد کرده انجام دهد. این مشارکت نه تنها بوی سیاسی می دهد بلکه نشان‌دهنده دوستی دیرینه مردم دو کشور است.

بر بحران بیکاری دامن نزنیم

ادامه از صفحه ۱۱

این بررسی ممکن است با این سئوال ساده آغاز شود که چرا دستمزد کارگران کشور ما و کشورهای توسعه‌یافته با وجود کار و زحمت تقریباً یکسان تا این حد با هم متفاوت است. سئوال مرحله بعدی این خواهد بود که چطور می توان این شکاف را پر کرد؟ برای پاسخ به این سئوال از یک مثال ساده استفاده می کنیم. فرض کنید دو روستا داریم با مجموعه‌ای از نیروی کار و مقداری زمین. فرض می کنیم کیفیت زمین (یا همان مواهب اولیه خدادادی) در دو روستا برابر است و زمین‌های هر روستا توسط یک مالک اداره می شود. سئوال اول این خواهد بود که از یک طرف تعداد و از طرف دیگر مزد کارگرانی که روی زمین کار می کنند چطور تعیین می شود؟ همه ما با توجه به تجربه‌مان می دانیم که هر کارگری که روی زمین کار می کند مقداری به محصول تولیدی اضافه می کند. در عین حال می دانیم که با یک زمین ثابت ارزش افزوده یک نفر کارگر اضافی با افزوده شدن به تعداد کارگران کم می شود. یعنی من اگر فقط یک نفر کارگر روی زمینم داشته باشم و یک نفر دیگر اضافه کنم، این یک نفر اضافی مقدار زیادی به تولید من می افزاید. در مقابل اگر صد نفر کارگر داشته باشم و نفر صد و یکم را استخدام کنم آنقدر به تولید من اضافه نخواهد شد.

به همین ترتیب اگر ادامه دهم پس از یک نقطه مشخص کارگر اضافی عملاً بازده خاصی برای من نخواهد داشت. از یک زاویه دیگر هر قدر که کارگر بیشتری استخدام می کنم از تعداد کارگران باقی مانده در روستا کم می شود و لذا کارگر منبعی کم‌یاب‌تر و به نسبت گران‌تر می شود پس باید سطح دستمزدها را به تدریج افزایش دهم. سئوالی که در این جا به ذهن می رسد این است که مالک زمین در این داستان ما چند نفر را استخدام می کند؟ پاسخ به این سئوال ساده است: آن قدر که بازده آخرین نفر استخدامی - که می دانیم در حال کاهش است- از حقوقی که باید به او بدهد بیشتر باشد. اگر تعداد کارگر کمتر از این رقم باشد او می تواند به تعداد کارگران افزوده و محصولش را اضافه کند و سود بیشتری ببرد. پس انگیزه دارد که این کار را بکند. در مقابل اگر تعداد کارگران بیش از تعداد بهینه باشد کارگران اضافی کمتر از حقوقی که می گیرند تولید می کنند پس استخدام آنها موجب زیان می شود. در این حالت مالک زمین تمایل دارد که نفر اضافی را کاهش دهد. در هر صورت این موضوع روشن است که «حقوق کارگران نمی تواند بیشتر از بازده متوسط آنها باشد» چرا که باعث ضرر برای مالک می شود. به عبارت دیگر اگر قرار باشد کارگران حقوقی بیش از ارزش افزوده خود دریافت کنند سودی وجود نخواهد داشت که این حقوق بیشتر از بازده متوسط پرداخت شود. حال اجازه دهید داستان را کمی توسعه دهیم و فرض کنیم دو روستای داستان ما سطح متفاوتی از سرمایه را روی زمینشان استفاده می کنند. اولی با سرمایه کم و با تجهیزات ساده مثل بیل، داس و روش سنتی کشاورزی کار می کند. دومی حجم زیادی سرمایه‌گذاری کرده و از بذرهای بهتر، آبیاری بهتر و تجهیزات کشاورزی مدرن‌تر استفاده می کند. واضح است که بازده متوسط یک کارگر در این روستا خیلی بیشتر از روستای اول است. یعنی به ازای تعداد کارگران ثابت این زمین محصول خیلی بیشتری تولید می کند. همین باعث می شود که در فرآیند چانه‌زنی بین مالک و کارگران حقوق کارگران این زمین می تواند خیلی بالاتر از زمین بغلی بوده و مالک همچنان سود کند.

ضمن اینکه داستان به اینجا هم ختم نمی شود. چون این روستا محصول بیشتری تولید می کند، درآمد بیشتری به این روستا سرازیر می شود. پس صاحبان زمین در این روستا پول بیشتری برای خرج کردن خواهند داشت و لذا تقاضا برای سلمانی، قهوه‌خانه‌چی، تعمیرکار، بنا، معلم و دکتر بالا می رود و کارگران جدیدی در این شغل‌ها مشغول به کار خواهند شد. در واقع به همین دلیل است که بر خلاف تصور موجود سهم بخش خدمات در اقتصادهای توسعه‌یافته خیلی بالا است. حالا مثال روستا را به یک کشور تعمیم بدهید. مثلاً موقعیت ایران و آلمان را مقایسه کنید. جمعیت ایران و آلمان تقریباً برابر است. با این وجود به علت انباشت سرمایه خیلی بیشتر در آلمان کل تولید این کشور تقریباً ۱۵ برابر ایران است. براساس چارچوبی که در داستان روستا شرح دادیم به علت نسبت پایین‌تر سرمایه به نیروی کار در ایران بازده و در نتیجه سقف قابل پرداخت برای دستمزد کارگر ایرانی هم پایین‌تر از کارگر آلمانی است. دقت کنید که بازده کارگر در اینجا خیلی ربطی به خود او ندارد و به سطح انباشت سرمایه (یا دقیق‌تر نسبت سرمایه به نیروی کار) مربوط است که به ساختار اقتصاد کشور و صنعتی که کارگر در آن فعالیت می کند مربوط می شود. مسئله تفاوت دستمزدها و سقف دستمزد البته زاویه دیگری دارد که در آن نقش خود کارگر را هم وارد کنیم. فرض کنید دو کارگر مختلف داریم که اولی به علت ماهرتر بودن و پرکارتر بودن و منظم‌تر بودن به ازای ساعت مشخصی سه برابر نفر دوم تولید می کند. در این صورت مالک زمین تمایل خواهد داشت که به او حقوق دو برابر بدهد و در مقابل از بهره‌وری بالاتر او برخوردار باشد. کارگر آلمانی چون ماهرتر از کارگر ایرانی است به ازای ساعت کار مشخصی تولید بیشتری می کند و دستمزد بالاتری هم می گیرد. باز دقت کنید که مهارتی که کارگر آلمانی کسب کرده هم تماماً مربوط به خود او نیست بلکه به سیستم تربیتی خانوادگی و کیفیت نظام آموزشی و تجارب کاری قبلی او و الخ نیز برمی گردد که خود البته تابعی از میزان درآمد کشور است. به عبارت دیگر کشوری که درآمد بیشتری دارد قابلیت این را دارد که سرمایه‌گذاری بیشتری روی نیروی انسانی‌اش انجام دهد و نیروهای بهره‌ورتر تربیت کند. حال با این مقدمات می توانیم تحلیلی از تصمیم اخیر وزارت کار ارائه دهیم.

وزارت کار در بخشنامه حداقل حقوق را ۵۰ درصد افزایش می دهد. وقتی صحبت از حداقل حقوق می کنیم یعنی از حقوقی صحبت می کنیم که بالاتر از نرخ تعادلی بازار کار است. به عبارت دیگر اگر قانونی در کار نباشد تقاضا و عرضه نیروی کار دستمزد را در حدی پایین‌تر از این رقم قرار می دهد. حال اگر حداقل مزد را افزایش دهیم بنگاه‌های اقتصادی کشور در مقابل یک تصمیم مهم قرار می گیرند. آنها قرار است در مورد تعداد بهینه کارگران خود تصمیم بگیرند. همان طور که گفتیم تعداد بهینه کارگر در نقطه‌ای قرار می گیرد که مزد کارگر با ارزش افزوده کار او برابر باشد. وقتی دولت مزد را به میزانی بسیار بیشتر از تورم افزایش می دهد بنگاه (همان زمین مثال روستا) مجبور است تعداد کارگر را طوری تنظیم کند که بازده هر فردی حداقل بالاتر از این رقم قرار بگیرد در غیر این صورت در استخدام داشتن او صرفاً باعث وارد شدن زیان به شرکت می شود. گفتیم که بازده امری نزولی است یعنی با افزایش تعداد کارگران کمتر می شود. پس وقتی مزد حداقل بالاتر می رود بنگاه مجبور است آن قدر از تعداد کارگران خود کم کند که این تعادل مجدداً برقرار شود. نتیجه این امر همان طور که همه در عمل دیده‌ایم منجر به کاهش تقاضا برای نیروی کار و در نتیجه افزایش بیکاری در جامعه می شود. مثال این رفتار را به سادگی می توان مشاهده کرد. فرض کنید یک کارگاه یا یک واحد تجاری کوچک برای فعالیت‌های خدماتی خود یک کارگر استخدام کرده است که اموری مثل پذیرایی از کارگران را انجام دهد. وقتی مزد دویست هزار تومان است بودن چنین کارگری در کارگاه به اصطلاح عامیانه «می صرفد». حال اگر دستمزدی که به این فرد پرداخت می شود به یک‌باره از دویست هزار به دویست و پنجاه هزار تومان افزایش یابد آن گاه صاحبان کارگاه یا مغازه ممکن است در تصمیم خود برای داشتن یک کارگر اضافی تجدیدنظر کرده و مثلاً از خود کارگران بخواهند این وظیفه را بر عهده گیرند. این داستان فقط به اینجا ختم نمی شود. وقتی مزد بالا می رود شرکت‌های تولیدی مجبورند از نیروی کار خود بکاهند که این امر منجر به کاهش تولید آنها نیز می شود. کاهش تولید با حفظ سطح موجود سرمایه به معنی کاهش بهره‌وری سرمایه و در نتیجه کاهش قدرت رقابت‌پذیری این شرکت تولیدی در مقایسه با رقبای خارجی است که ممکن است کل موجودیت شرکت را به خطر بیندازد. ضمن اینکه وقتی بازده سرمایه کاهش یابد رغبت سرمایه‌گذاران برای حضور در عرصه صنعت از سطح موجود هم پایین‌تر خواهد رفت. در این حالت سرمایه‌گذار یا باید تصمیم بگیرد که اصولاً وارد فعالیت صنعتی نشود و یا در صورت ورود سعی کند روش تولیدی را به کار گیرد که کمترین نیاز به کارگر را داشته باشد. تمام این تحولات در نهایت باعث کاهش میزان تقاضا برای نیروی کار و گسترش بیکاری در جامعه می شود. چنین نتایجی برای کشوری که با مسئله بیکاری مواجه است به معنی تشدید یک بحران بزرگ اجتماعی است. خوشبختانه بخشی از نتایج منفی این سیاست در عمل با سرعت آشکار شده و این فرصتی برای یادگیری فراهم می کند.

هر چند به علت وجود قوانین بازدارنده برای تعدیل نیروی کار هنوز نتایج دیگر این سیاست روشن نشده و ممکن است در طول زمان و به صورت ورشکستگی یا زیان‌دهی شرکت‌ها خودش را نشان دهد. به هر حال مسئولین وزارت کار و تشکل‌های کارگر می توانند از این تجربه پرهزینه درس مهمی بیاموزند و آن اینکه اقتصاد شبیه یک موجود زنده است که به سیاست‌ها واکنش نشان می دهد. این واکنش ممکن است گاهی باعث شود راه‌حلی که انتخاب می کنیم خود باعث وخیم‌تر شدن ریشه‌های مسئله شده و در نهایت به زیان کسانی تمام شود که قرار بود از محل این سیاست نفع ببرند.

منبع: رستاک

گزارش خبری

مخالفت با پیشنهاد وزارت صنایع

مهر: طهماسب مظاهری در مصاحبه با خبرگزاری مهر به ابهامات موجود در سرمایه‌گذاری خارجی در ایران توضیح داده است.

■ وضعیت سرمایه‌گذاری در کشور

روند سرمایه‌گذاری خارجی مثل بقیه روندهای توسعه تابع عوامل مختلفی از جمله سیاست‌های توسعه‌ای، میزان حمایت از بخش خصوصی و شرایط سیاسی و اجتماعی کشور است. با ملاحظه همه جوانب، ارزیابی فردی من این است که آن بخش از روند سرمایه‌گذاری خارجی که متاثر از قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی است، با اصلاح این قانون، تاثیر مثبتی پذیرفته است. منتها حجم کل سرمایه‌گذاری بستگی به سایر شرایط اقتصادی و سیاسی کشور از جمله قوانین حمایت از بخش غیردولتی، تامین اجتماعی، نرخ تورم، سود بانکی و مواردی از این قبیل دارد.

■ اقدامات دولت گذشته

در دوره نخست دولت آقای خاتمی بحث اصلاح قانون تشویق سرمایه‌گذاری خارجی مطرح شد. در پیش‌نویس لایحه اصلاح این قانون که توسط وزارت اقتصاد تهیه شده بود، این پیشنهاد ارائه شد که به قانون، روش‌های مشارکت مدنی از قبیل بی‌اوتی، بیع متقابل و اجاره به شرط تملیک افزوده شود و دولت هم پیشنهاد مرا تایید کرد و سوابق این پیش‌نویس نیز الان هم وجود دارد. در دور دوم دولت آقای خاتمی، با تصویب دولت و مجلس و مجمع تشخیص مصلحت نظام در بند «ب» ماده ۳ قانون تشویق سرمایه‌گذاری خارجی بر انجام سرمایه‌گذاری به روش‌های مشارکت مدنی مثل بی‌اوتی، بیع متقابل و روش‌های مشابه تاکید شده و این روش‌ها مشمول حمایت قانون قرار گرفتند. همانطور که می‌دانید بند «الف» ماده فوق به سرمایه‌گذاری مستقیم پرداخته است.

■ حمایت از مشارکت مدنی

اک